

Research Article

**A Survey and Evaluation of the Place
of Optimal Governance in *Nahj ul-Balāgha*¹**

Seyed Rohollah Tabatabaei¹, Ali Shirkhani², Mehdi Motaharnia³

¹ Ph.D., Political science Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Roholah0070@gmail.com

² Associate Professor, Political science Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
(Corresponding Author). Rooz1357@gmail.com

³ Assistant Professor, Political science Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
dmmtaharnia@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to explain the characteristics of optimal policy and governance from the perspective of Imam Ali (s) in *Nahj ul-Balāgha*. The main research question in this article is: "What status does the optimal governance have from the view of Imam Ali (s)?" Furthermore, this study relies on the hypothesis that the characteristics of a favorable governance according to the idea of Imam Ali (s) are derived from divine commandments, and a series of factors such as transgression and inattention to meritocracy are considered as the features of a tyrannical government (Tāghūt). A favorable government in the idea of Imam Ali (s) is of special importance. The method of the study is descriptive analysis and the results showed that in the view of Imam Ali (s), legitimacy, public participation, transparency (accepting the criticisms and responding to them), responsibility and responsiveness, efficiency, and meritocracy have an effective role in creating a favorable government in society. On the other hand, he introduces transgression, inattention to meritocracy, autocracy, and power seeking as basic obstacles in the way of optimal governance.

Keywords: Imam Ali (s), Governance, *Nahj ul-Balāgha*, Policy, Government.

1. **The present research article is extracted from:** the Ph.D. thesis entitled: **Public Policy Based on Power Distribution or Concentration from the Political View of Shi'ism and Basic Constitution of the Islamic Republic of Iran**, by Siyyid Rūhullāh Tabātabāī in Public Policy, supervised by Alī Shīrkhanī, advised by Mihdī Mutahhar Nia, department of political science, Qom Branch, Islamic Azad University, in 1399.

* **Received:** 2020/10/03 ; **Accepted:** 2020/12/24

** Copyright © the authors

بررسی و ارزیابی جایگاه حکمرانی مطلوب در نهج البلاغه^۱

سید روح‌الله طباطبایی^۱، علی شیرخانی^۲، مهدی مطهرنیا^۳

^۱ دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Roholah0070@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). Rooz1357@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. dmmotaharnia@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین ویژگی‌های سیاست و حکمرانی مطلوب از دیدگاه حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه است. پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که «حکمرانی مطلوب از دیدگاه امام علی(ع) از چه جایگاهی برخوردار می‌باشد؟». همچنین پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که حکمرانی مطلوب براساس دیدگاه امام علی(ع)، برگرفته از احکام الهی است، و مجموعه‌ای از عوامل از جمله قانون‌گریزی و عدم توجه به شایسته‌سالاری از ویژگی‌های حکومت طاغوتی هستند. حکومت مطلوب در اندیشه امام علی(ع) از اهمیت زیادی برخوردار است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که از منظر امام علی(ع)، قانونمندی، مشارکت مردم، شفافیت(پذیرا بودن انتقادات و پاسخگو بودن)، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، اثربخشی و کارایی، شایسته‌سالاری نقش موثری در ایجاد حکمرانی مطلوب در جامعه دارند. در مقابل، ایشان یکی از موانع مهم و اساسی در مسیر ایجاد حکمرانی مطلوب را قانون‌گریزی، عدم توجه به شایسته‌سالاری، خودکامگی و ریاست‌طلبی معرفی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، حکمرانی، نهج‌البلاغه، سیاست، حکومت.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری رشته سیاست‌گذاری عمومی، دانشجو: سیدروح‌الله طباطبایی، با عنوان: سیاست‌گذاری عمومی بر مبنای توزیع یا تمرکز قدرت از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، استاد راهنما: علی شیرخانی، استاد مشاور: مهدی مطهرنیا، ارائه شده در گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، در سال ۱۳۹۹ است.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

۱. مقدمه

سیاست علم مطالعه قدرت است و بازیگرانی که بتوانند در اندیشه و کنش در مورد تولید و توزیع متعادل در جامعه، فنونی داشته باشند، از درجاتی از تمدن برخوردارند. تمدن به معنای توافق بر سر توزیع قدرت در جامعه است و تا زمانی که فنون و روشی برای آن اندیشیده نشود، نتیجه‌ای حاصل نمی‌گردد (بامری، منشادی و اسلامی، ۱۳۹۶).

امروزه یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی در ادبیات توسعه مطرح گردیده، مسئله‌ی «سیاست و حکمرانی مطلوب» می‌باشد. این مبحث در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه‌ی مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سیاست عملی و فنون حکمرانی، به اتخاذ روش‌های مناسب برای اداره‌ی یک جامعه، تنظیم امور و رابطه میان شهروندان و حاکمان اطلاق می‌گردد. ماهیت اصلی سیاست و حکمرانی مطلوب، چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ی عادلانه و مردم‌سالار در جامعه باشد. به عبارتی دیگر، حکمرانی مطلوب بر تنظیم‌گری تاکید داشته و با تسلط و اعمال قدرت تفاوت دارد. مکاتب مختلف جامعه‌ی بشری، با توجه به اصول و مبانی خود برای حکمرانی، فنونی را پیشنهاد می‌کنند که این فنون نتیجه شیوه‌های عملی فکر کردن در باب سیاست قدرت بوده و در شرایط اجراء، دگرگونی و تحول می‌یابند. بنابراین، سیاست‌مداران و بازیگران صحنه‌ی سیاست که بیشتر به ابزار قدرت و چگونگی کاربرد آنها در عمل تاکید دارند، با تفسیر مبانی و اصول مکتب خود این فنون و شیوه‌ها را استخراج می‌کنند.

بررسی مطالعات دینی نشان داده که در فرهنگ دینی اسلام، به پدیده حکمرانی مطلوب نیز اهمیت داده شده است. بی‌توجهی به منابع دینی که همان حلقه مفقوده حکمرانی مطلوب در جوامع اسلامی است، بیش از پیش مشهود می‌باشد. این در حالی است که اصول حکمرانی مطلوب کاملاً با ارزش‌های دینی تطابق دارد. یکی از منابع جامع درباره حکمرانی، نهج‌البلاغه است. بدون تردید نهج‌البلاغه کتابی حیات‌بخش و ارمغانی الهی برای جامعه بشری است. این کتاب جاوید در عین آنکه بخشی از سخنان و گفتارهای حضرت علی(ع) را در بر می‌گیرد، حاوی معارفی است که آن را در جایگاهی والا پس از قرآن کریم قرار داده است. از آنجا که خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان حضرت، از سیره ایشان در

دگرگونی اوضاع امت اسلامی و تحقق سعادت مطلوب برای آنان جدا نیست؛ لذا نهج‌البلاغه شکل اسناد سیاسی به خود گرفته که جهت‌گیری‌های حکومت اسلامی، روش‌های اداره کشور و نحوه برخورد با دشواری‌ها و مشکلات جامعه را تبیین می‌کند و دربرگیرنده خط‌مشی‌ها و راهبردهای سیاسی است که باید در حکومت اسلامی از آنها پیروی کرد. به بیانی دیگر نهج‌البلاغه گنجینه‌ای نفیس و با ارزش از دستورات و معارف الهی بوده که در آن به مؤلفه‌های سیاست و حکمرانی مطلوب پرداخته شده است. نکته قابل تأمل آنکه این نکات ارزشمند درباره حکمرانی در چهارده قرن پیش، دورانی که اکثر حکومت‌ها مستبد و به صورت دیکتاتوری اداره می‌شدند و همواره باطل را حق جلوه دادن و حق را باطل جلوه دادن، بسیار معمول و معروف بوده، مطرح شده است. حضرت علی(ع) با تلاش فکری و عملی به بررسی مشکلات و مسائل حکومت پرداخته و شیوه‌های سیاست و حکمرانی مطلوب را عملاً در جامعه پیاده می‌کرد. تا آنجا که در دوران حکومت و حکمرانی ایشان، عدل و عدالت برای همه به صورت یکسان برقرار می‌شد. امام به این نکته به شکل ظریفی اشاره می‌فرماید: «همواره آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی و بدعت‌گذاری در احکام آسمانی است، نوآوری‌هایی که قرآن با آن مخالف است، و گروهی (با دو انحراف یاد شده) بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند، که برخلاف دین خدا است. پس، اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد، بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند، و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت، زبان دشمنان قطع می‌گردید. اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند، آنجا است که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد و تنها آنان که مشمول لطف و رحمت پروردگارند، نجات خواهند یافت» (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۰).

اسلام به عنوان دین و مکتب، اصولی را برای سیاست ارائه می‌دهد و پیامبر اکرم(ص) اسوه و الگوی حسنه مسلمانان بوده (احزاب، ۳۰) و شیوه حکومت پیامبر(ص)، الگوی جانشینان حضرت بوده است. از این جنبه، حکومت خلفای راشدین نیز به عنوان الگوی آرمانی حکومت توسط اکثریت مسلمانان پذیرفته شده است. در این میان شیعیان با وارد کردن انتقاداتی به حکومت سه خلیفه اول، حکومت خلیفه چهارم را الگوی آرمانی حکومت اسلامی می‌دانند، بعضی محققان بر این باورند که تفکر شیعی به علت دوری از قدرت، تنها دارای غایت و کیفیات رهبری آرمانی است که بر این اساس عاری از قدرت

در جهان واقعی سیاست می‌باشد. آنها معتقدند که شیعیان به دلیل اعتقاد به انسان و جامعه آرمانی، فاقد الگوی عملی برای حکومت و اداره زندگی روزمره مردم و جامعه می‌باشند. به نظر می‌رسد این دیدگاه قابل نقض است، زیرا امام اول شیعیان، علاوه بر تاکید بر اصول و مبانی اسلام به عنوان مکتب، در جایگاه سیاست‌مدار هم قرار گرفت و اعمال قدرت کرد. بنابراین، ویژگی‌های سیاست و حکمرانی مطلوب را می‌توان در مدت زمامداری ایشان مورد بررسی قرار داد.

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به سوالات زیر است:

- منظور از حکمرانی مطلوب چیست؟

- سیاست و حکمرانی مطلوب و نامطلوب از دیدگاه حضرت علی(ع) چه ویژگی‌هایی دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

بررسی مطالعات نشان می‌دهد که درباره حکمرانی، پژوهش‌های زیادی انجام شده است، از جمله:

نوایی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «ساختار حکومت در نهج البلاغه» به منشاء حکومت از دیدگاه حضرت علی(ع) پرداخته و نشان می‌دهد که حکومت از دیدگاه حضرت علی(ع)، دارای منشاء الهی است.

امام جمعه‌زاده (۱۳۸۱)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی جامعه و حکومت در نهج البلاغه»، آفات و آسیب‌های که مانع از تداوم حرکت بالنده جامعه و حکومت اسلامی هستند را از دیدگاه نهج‌البلاغه بررسی می‌کند. از جمله این آفت‌ها، می‌توان به تفرقه و گسیختگی اجتماعی، تجمل‌گرایی، تملق و چاپلوسی، اشاره نمود که هر یک آسیب‌های خاص خود را برای جامعه و دولت دارد.

دلشاد تهرانی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان دولت آفتاب؛ اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی(ع)، به بررسی شرایط و مشکلات دولت علی(ع) و تحولات بعد از وفات حضرت رسول(ص) و نیز ضمن بررسی اندیشه سیاسی امام، سیره عملی و حکومتی ایشان را نیز بررسی می‌کند.

۳. مفاهیم اصلی پژوهش

یکی از روش‌های مناسب برای دریافت‌های مشابه از مباحث در پژوهش‌ها، تعریف آن اصطلاحات و روشن کردن مفاهیم مورد بحث از نظر آن پژوهش است. به همین دلیل در ابتدا به تعریف مفهوم سیاست و حکمرانی می‌پردازیم.

از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی Kubernan به معنای هدایت کردن یا اداره کردن برمی‌گردد و اولین بار توسط افلاطون در رابطه با چگونگی طراحی نظام حکومت^۱ استفاده شده است. این اصطلاح یونانی ریشه لغت Gubenare بوده که به معنی هدایت کردن، قانونگذاری یا راندن دلالت می‌کند. این اصطلاح در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه حکومت استفاده شده است. در اینجا حکمرانی، عمل^۲ یا روش حکم راندن^۳ و همچنین اداره^۴ یا وظیفه حکم راندن است. حکم راندن به معنای حکم‌فرمایی یا کنترل کردن با استفاده از اختیار و همچنین بودن در حکومت می‌باشد (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹).

حکمرانی شیوه‌ای است که یک جامعه، جهت اتخاذ و اجرای تصمیمات، حصول تفاهم و توافق متقابل و اقدام مناسب سازماندهی می‌کند. این شیوه دربرگیرنده سازوکارها و فرآیندهایی برای شهروندان و گروه‌ها است تا بتوانند با توسل به آنها منافعشان را بیان کنند، اختلافات را تعدیل نموده و حق تکلیف حقوقی خودشان را به اجرا درآورند. در واقع قواعد و مقررات موجود، نهادها و رویه‌هایی هستند که محدوده‌ها را تعیین می‌کنند و به افراد، شرکت‌ها و یا سازمان‌ها انگیزه می‌دهند. حکمرانی از ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن در همه‌ی سطوح فعالیت‌های انسان، اعم از خانواده، شهر، ملت، منطقه و جهان وجود دارد.

حکمرانی مطلوب: حکمرانی مطلوب به تلاش در جهت اموری چون حکومت قانون، پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، برابری، اثربخشی، کارایی، مسئولیت و دیدی راهبردی در اعمال قدرت اداری، اقتصادی و سیاسی گفته می‌شود (Punyaratabandhu, 2004). حکمرانی مطلوب، متضمن احترام سیاست‌مداران و سازمان‌ها به حقوق بشر و اصول دموکراسی و

1. System of rule

2. ACT

3. Manner

4. Office

حاکمیت قانون است. و رژیم سیاسی الزامات و شرایطی چون نبود فساد، احترام به حقوق بشر، شفافیت در دستگاه‌های دولتی و اداره سیاسی را تضمین کرده و در مقابل رأی‌دهندگان پاسخگو است (هامز^۱، ۲۰۰۲). حکمرانی فرایندی است که از طریق آن نهادهای دولتی به مسائل عمومی پرداخته و منافع خود را مدیریت کرده و تحقق حقوق بشر را تضمین می‌کنند و حکمرانی مطلوب براساس این تعریف فعالیت‌های فوق را به شکل صحیح و به دور از خطا و با محوریت قانون انجام می‌دهد. حکمرانی مطلوب راهی برای رسیدن به نتایج و شرایط مطلوب است و می‌تواند به عنوان یک الگویی در حکمرانی توصیف گردد. الگویی که منجر به بروز نتایج اقتصادی و اجتماعی مورد نظر شهروندان می‌گردد (پلومپترز و گراهام^۲، ۱۹۹۹).

بنابر تعریفی که ارائه گردیده است، موضوع محوری حکمرانی مطلوب، چگونگی دستیابی به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه اقتصادی مردم‌سالار و برابرخواهانه باشد. براساس سندی که در سال ۲۰۰۶ از سوی بانک جهانی و توسط کافمن^۳، کرای^۴ و ماسترازی^۵، ارائه گردید، حکمرانی مطلوب دارای شاخص‌هایی چون، پاسخگویی و حق اظهارنظر، ثبات سیاسی و نبود خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون و کنترل فساد می‌باشد (شاه‌آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲).

۴. چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش، تئوری حکمرانی مطلوب است. مفهوم حکمرانی مطلوب در ذات خود، تعامل و همکاری بین جامعه مدنی و نظام سیاسی یا تعامل بین دولت و شهروندان را دارد. حکمرانی به پویاها یا فرایندهای تصمیم‌گیری در جامعه، چگونگی کاربرد قدرت و نحوه ارتباط بین دولت و شهروندان اشاره دارد. کیفیت حکمرانی در پیوند با چگونگی کاربرد قدرت، تعامل و پاسخگویی معنا می‌یابد. بنابراین، حکمرانی مطلوب

1. Hams

2. Plumptres, & Graham

3. Kaufmann

4. Kraay

5. Mastruzzi

ناظر بر سیاست مبتنی بر مشارکت، کارآمدی دولت، دولت دموکراتیک و مدیریت با کیفیت در جامعه است. مفهوم حکمرانی خوب از لحاظ نظری دارای ابعادی از قبیل پاسخگویی دولت و حق اظهارنظر قائل بودن برای مردم، قانون‌مداری و حاکمیت قانون، اثربخشی و کارایی دولت، ثبات سیاسی، مساوات‌طلبی، شفافیت و مسئول بودن است (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲). مولفه‌های مهم حکمرانی مطلوب از نظر برنامه توسعه سازمان ملل، دربرگیرنده‌ی حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌مداری، عدالت، اثربخشی و کارایی، پاسخگویی، دیدگاه استراتژیک و مشارکت است. براساس تعریف کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه (۲۰۰۴)، حکمرانی مطلوب دارای شاخص‌های زیر می‌باشد:

حاکمیت قانون: حکمرانی مطلوب نیازمند چارچوب‌های قانونی بی‌طرفانه است که غیرمغرضانه اجرا گردند و توجه به حقوق مردم و در رأس آن حقوق اقلیت‌ها و اقلیت‌ها حفظ گردد. اجرای بی‌طرفانه قانون تنها با وجود سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم انجام‌پذیر است.

مشارکتی: یکی از اصلی‌ترین مولفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی مطلوب، مشارکت است. مشارکت مردم می‌تواند به دو صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آنها و یا نمایندگان منتخبشان باشد.

شفافیت: شفافیت به مفهوم اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها مطابق قوانین و مقررات بوده و نیز به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که می‌تواند بر زندگی افراد تأثیرگذار باشد. در این راستا، باید اطلاعات کامل و جامعی تهیه و به صورت قابل درک در اختیار عموم مردم قرار داده شود.

مسئولیت‌پذیری: در حکمرانی مطلوب، سازمان‌ها و نهادها باید در خدمت ذی‌نفعان و در قبال وظایف محول شده مسئول باشند. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه را باید سازمان و بخش مدیریت کند و هیچ مشکلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند.

اجماع‌محوری: در سطح جامعه، کنش‌گران زیادی با نقطه‌نظرهای مختلف حضور دارند. حکمرانی مطلوب باید منافع متفاوت گروه‌های مختلف را با دستیابی به یک اجماع گسترده

فراهم کند. تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع فرایندی می‌باشد که در آن قدرت شخصی و کنترل اطلاعات تابع بحث باز و صادقانه پیرامون موضوعات است. اجماع محوری نیازمند درک صحیحی از دورنمای بلندمدت توسعه انسانی پایدار و شیوه رسیدن به اهداف در این نوع از توسعه است (آرائی، قاسمی و معینی‌فر، ۱۳۹۶).

تساوی حقوق و جامعیت: رفاه و سلامت در جامعه زمانی به وجود می‌آید که تمام اعضای آن احساس کنند در جریان تحولات آن قرار دارند و به نوعی خود را عضو تأثیرگذار ببینند.

کارایی و اثربخشی: حکمرانی مطلوب به مفهوم عمل نمودن فرایندها و نهادها در راستای نیاز جامعه و استفاده بهینه از امکانات است.

پاسخگویی: پاسخگویی، برای تحقق حکمرانی مطلوب، اصلی مهم و ضروری به‌شمار رفته و تنها از طریق اعمال شفافیت و حاکمیت قانون اجرایی می‌گردد. اینکه پاسخگویی از طرف چه کسی و به چه فردی است، برحسب نوع تصمیمات و فعالیت‌های سازمان‌ها و افراد متغیر است. در حالت کلی، هر سازمان در برابر افرادی که با فعالیت‌های انجام شده از سوی سازمان تأثیر می‌پذیرند، پاسخگو می‌باشد.

۵. بحث

بررسی مطالعات در اندیشه و عمل امام علی(ع) بیانگر این است که آن بزرگوار هم در مقام نظر معتقد به حکمرانی مطلوب بود و هم در مقام عمل می‌کوشید که آن را در جامعه حاکم کند. از این رو است که امام علی(ع) هرگز حاضر نبود که حکومت را به هر شکل ممکن بدست آورد، زیرا معتقد بود حکومتی می‌تواند مصداق حکمرانی مطلوب باشد که مبتنی بر رعایت اصولی است که مورد قبول همگان قرار می‌گیرد. سیره و روش حکومت امام علی(ع) برهان و روش پیامبر(ص) بود. اما آن حضرت به دلیل موانع و جنگ‌های داخلی نتوانست به همه آنچه که در نظر داشت، یعنی حکمرانی مطلوب دست یابد.

بعد از رحلت پیامبر(ص) با پیروزی‌های بزرگ اعراب در نقاط مختلف جهان، سیل اموال و درآمد به بیت‌المال سرازیر گردید و در زمان خلیفه سوم (عثمان) در دوران خلافتش، برخلاف وعده‌ای که هنگام قبول خلافت کرده بود، نه به سنت پیامبر(ص) عمل کرد و نه سیره شیخین را مد نظر قرار داد و دست یاران و اقوام خویش را در تصاحب

بیت‌المال باز نگه داشت و به بهانه صلّه، سهم اموال هنگفتی را به آنان اعطاء کرد (میمنه جهرمی، ۱۳۷۸، ص ۵۶).

عثمان از اجرای برخی از قوانین اسلامی خودداری کرد و در پاره‌ای از موارد، قانون را به شکلی که مطابق منفعت و خواست خود می‌دید، تفسیر می‌کرد. مجموعه اقدامات وی، موجب رواج تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری و افزایش فاصله طبقاتی در جامعه گردید. نتیجه اینکه عموم مسلمانان به حکومت عثمان بی‌اعتماد شده و نارضایتی در سطح گسترده‌ای رواج یافت. خلیفه سوم با قانون‌گریزی‌های خود موجب انحراف جامعه از اهداف و آرمان‌های اسلامی گردید و مردم نیز به خوی و خصلت دوران قبل از اسلام متمایل شده بودند.

حضرت علی(ع) در این دوران می‌دانست که راه سختی در پیش دارد، ولی به علت مسئولیت الهی علما و حضور و اعلام آمادگی مردم جهت تحقق این تحول اجتماعی (ایجاد یک حکومت مطلوب) اصلاحات بزرگ خود را آغاز نمود و اوضاع آن دوران را به دوران قبل از اسلام و عمل خویش را به اقدامات رسول خدا(ص) تشبیه کرد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶).

۵-۱. مقایسه ویژگی‌های حکمرانی مطلوب در حکومت علوی و دوران مدرن

الف) وجوه اشتراک دوران مدرن و حکومت علوی: در مواردی چون حاکمیت قانون و مشارکت مردم در امر حکومت و شفافیت اقتصادی و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و نیز کارایی و اثربخشی، به نقاط اشتراک زیادی بین حکومت مدرن و حکومت علوی برخورد می‌کنیم.

امام علی(ع) هنگام بیعت مردم در مسجد مدینه فرمود: ای مردم! این امر (حکومت)، امر شما است. هیچ کس جز آنکه شما او را امیر خود گردانید، حق حکومت بر شما را ندارد. ما دیروز هنگامی از هم جدا شدیم که من پذیرش ولایت شما را ناخوشایند داشتم، ولی شما این را نپذیرفتید و جز به اینکه من تشکیل حکومت دهم رضایت ندادید. آگاه باشید که من کسی جز کلیددار شما نیستم و نمی‌توانم حتی یک درهم به ناروا از بیت‌المال برگیرم.

در همین یک روایت می‌توان به مشارکت مردم در حکومت، قانونمندی، پاسخگویی و

شفافیت اقتصادی که از مختصات حکمرانی مطلوب در دوران مدرن است، اشاره کرد.

ب) وجوه افتراق دوران مدرن و حکومت علوی: دو محور اجماع محوری و تساوی حقوقی را می‌توان به عنوان محورهای اختلاف بین حکومت علوی و دوران مدرن در نظر گرفت. در بحث اجماع محوری به علت وجود کنشگران متعدد با نظریات مختلف، در همه جا شاهد توجه امام علی(ع) به در نظر گرفتن نظر بقیه صحابه نیستیم. به عنوان مثال در قضیه عزل معاویه یا واگذاری پست و مقام به طلحه و زبیر، طبق نص صریح تاریخ، امام علی(ع) بر مبنای اجتهاد و نظر خویش عمل نمود و تا آخر پای هزینه‌های تصمیم خویش ایستاد یا حتی در بحث حکمیت، حاضر نشد اصل ماجرای حکمیت را ملغی کند. در هر سه این موارد، هزینه‌ای در حد سه جنگ در حکومت علوی پرداخته شد. در بحث تساوی حقوقی که طبعاً از مختصات حکمرانی دوران مدرن است و با تساوی حقوقی زن و مرد یا لغو برده‌داری شناخته می‌شود، طبعاً در زمان حکمرانی امام علی(ع) چنین تساوی حقوقی به رسمیت شناخته نشده بود و هنوز هم طبق فقه شیعی مبتنی بر منابع چهارگانه، پذیرفته نیست. دو اصل حکومت علوی که عبارت از پرهیز از بی‌پروایی در قدرت (رعایت تقوای الهی و پرهیز از ظلم) و نیز اصل اخلاق‌مداری در راه رسیدن به اهداف می‌باشند، با توجه به اینکه دوران مدرن با خصوصیت سکولاریسم و تفکیک دین از سیاست و نیز عقلانیت ابزاری که گاه به ماکیاولیسم (هدف، وسیله را توجیه می‌کند) منجر می‌شود، شناخته شده، به نظر می‌رسد از وجوه اختلاف محسوب می‌شود.

۵-۲. ویژگی‌های حکمرانی خوب از دیدگاه امام علی(ع)

موضوع مدیریت از مباحث مهم در دوران قدیم و دوران مدرن محسوب می‌شود. انسان به واسطه اینکه مدنی بالطبع و موجودی اجتماعی است، در ساختار اجتماع خود نیاز به مدیریت و رهبری دارد. مدیریت را چنین تعریف کرده‌اند: «فعالیت یا عملیاتی که اساساً به ابزار رسیدن به اهداف مشخصی وابسته بوده و هر اندازه این اهداف متنوع باشد، ابزار تحقق آنها مشابه و هدف آن یکسو نمودن رفتار سنجیده و مناسب با افراد گروه است».

در سخنان امام علی(ع) به عنوان سیاست‌مداری که به مدت حدود پنج سال زمامداری امور مسلمین را در اوان دوران شوکت و عظمت اسلام بر عهده داشت، نکات و مولفه‌های زیادی درباره مدیریت مطرح شده است.

مدیریت از زبان آن بزرگوار با ویژگی‌هایی چون تدبیر، فرماندهی، قدرت و سیادت در کلام ایشان متجلی می‌باشد.

در ادامه به بررسی ویژگی‌های حکمرانی مطلوب در دوران مدرن و تطبیق آن با سخنان و سیره حضرت علی(ع) می‌پردازیم.

۵-۲-۱. اصل اول: قانونمندی

یکی از افتخارات اسلام به عنوان دین متمدن این است که قانون و نظم را برای بشریت به ارمغان آورده و راه رستگاری را در سایه عمل به مقررات شریعت معرفی نموده است. از آغاز اسلام، تلاش فراوانی در راه قانونمند کردن جامعه اسلامی صورت گرفت و در زمان حکومت حضرت علی(ع) به نقطه اوج خود رسید و حضرت تمام توان خود را در این راستا به کار گرفته و اصل حاکمیت قانون را بدون هیچ نرمشی در جامعه اسلامی رسمیت داده و بر پایداری آن اهتمام نمود. بهترین شاهد مدعی بر این امر، جاری شدن حد شراب‌خواری بر نجاشی (از شاعران و هواداران حکومت حضرت علی(ع)) است. هنگامی که این امر باعث اعتراض قبیله نجاشی شد، امام علی(ع) در پاسخ فرمود: آیا نجاشی فردی از مسلمانان نبود که پرده‌ای از پرده‌های الهی را دریده بود؟ و ما حد را بر او جاری کردیم تا تزکیه شده و از گناه پاک گردد ... خدا در قرآن می‌فرماید: «ولا یجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا. اعدلوا هو اقرب للتقوی»، «ملائت قومی موجب نگردد که به عدالت رفتار نکنید. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲).

در مکتب علوی، همه از حقوق مساوی برخوردارند و در برابر قانون، حزب، گروه، طبقه و ثروت نمی‌تواند موجب تبعیض و برتری فردی بر فرد دیگر شود.

امام علی(ع) خطاب به ابن عباس (پسر عموی خویش) چنین فرمود:

«گویا تو در راه خدا جهاد نکردی و برهان روشنی از پروردگارت نداری و گویا برای تجاوز به دنیای این مردم، نیرنگ می‌زدی و هدف تو آن بود که آنان را بفریبی و غنائم و ثروت‌های آنان را در اختیار گیری ... پس، از خدا بترس و اموال آنان را بازگردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم تو را کیفر خواهم کرد که نزد خدا عذرخواه من باشد و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید. سوگند به خدا اگر حسن و حسین(ع) چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی

خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند، تا آنکه حق را از آنان بازستانم و باطلی را که به ستم پدید آمده، نابود سازم» (نهج البلاغه، نامه ۴۱).

امام علی(ع) حتی در رعایت تشریفات قضایی و برابری کامل طرفین دعوا تاکید داشت. طرفین دعوا را در سلام و کلام و نظر و انواع اکرام و احترام در یک سطح قرار می‌داد. در موقع قضاوت چنان بی‌نظر بود که خویشاوندان و نزدیکانش به جانب‌داری او طمع نمی‌کردند و دشمن از عدالتش ناامید نمی‌شد.

۵-۲-۲. اصل دوم: مشارکت مردم

مشارکت از اصول بدیهی و ضروری اسلام است که در اداره جامعه و تحکیم روابط اجتماعی نقشی بسزا دارد. در سیره حکومتی امام علی(ع)، مشارکت مردم در امر حکومت یک اصل است. اما مقدمه اولیه در مشارکت دادن مردم در حکومت قایل شدن حق و حقوق برای مردم است. در دین مبین اسلام علاوه بر تکالیف شرعی حقوقی هم برای مردم مشخص شده است. مراد از تکلیف الهی تعیین حقوق الهی بر انسان‌ها است که حقی یک‌طرفه می‌باشد. اما در تعالیم اسلامی فقط به رابطه خدا و انسان پرداخته نشده، بلکه به رابطه میان انسان با انسان و انسان با طبیعت هم پرداخته شده است. هر انسانی بر دیگر انسان‌ها حقوقی دارد و این حقوق تکالیفی را بر دوش بقیه می‌گذارد. کلیه حقوق انسانی که یک‌سوی آن انسان و سوی دیگر انسان یا طبیعت باشد، دوطرفه است. از جمله مهم‌ترین حقوق، حق متقابل مردم و حکومت است. حضرت علی(ع) با جامع‌نگری و ژرف‌اندیشی حکیمانه که از ویژگی‌های منحصر به فرد اوست، درباره مشارکت سخنانی ایراد فرموده و راهکارها و دستورالعمل‌هایی ارائه داده است.

امام علی(ع) می‌فرماید: «خداوند سبحان برای من به جهت سرپرستی حکومت حقی قرار داده و برای شما همانند من حقی تعیین فرموده است. پس، حق گسترده‌تر از آن است که وصفش کنند، ولی به هنگام عمل تنگنایی بی‌مانند دارد! حق اگر به سود کسی اجرا شود، ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار رود و چون به زیان کسی اجرا شود، روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت. اگر بنا باشد حق به سود کسی اجرا شود و زیانی نداشته باشد، این مخصوص خدای سبحان است، نه دیگر آفریده‌ها ... و در میان حقوق الهی بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است. حق واجبی که خدای سبحان

بر هر دو گروه واجب شمرد و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داد. پس رعیت اصلاح نمی‌شود، جز آنکه زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند، جز با درستکاری رعیت» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). شهید مطهری در کتاب سیری در نهج البلاغه می‌نویسد: «یکی از چیزهایی که رضایت عموم مردم به آن بستگی دارد، این است که حکومت با چه دیده‌ای به توده مردم و به خودش نگاه می‌کند. با این چشم که آنها را برده و مملوک و خود مالک و صاحب اختیار آنهاست؟ یا با این چشم که آنها صاحب حق بوده و او خود تنها وکیل، امین و نماینده است؟ در صورت اول هر خدمتی از نوع تیماری است که مالک یک حیوان برای حیوان خویش انجام می‌دهد و در صورت دوم از نوع خدمتی است که یک امین صالح انجام می‌دهد. اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حاکمیت حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حاکمیت آنها باشد، از شرایط اولیه جلب رضا و اطمینان آنان است» (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۹۵).

در منطق نهج البلاغه، در خطبه ۲۱۶، امام علی (ع) از حقوق متقابل مردم و حکومت یاد می‌کند. در ادامه این خطبه ایشان می‌فرماید: «آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار، حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر (ص) پایدار گردد. پس، روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌گردد. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود. نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ‌بازی در دین فراوان می‌گردد و راه گسترده سنت پیامبر (ص) متروک و هواپرستی فراوان و احکام دین تعطیل و بیماری دل، بسیار شود. مردم از اینکه حق بزرگی فراموش می‌شود یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می‌یابد، احساس نگرانی نمی‌کنند! پس در آن زمان نیکان خوار و بدان قدرتمند می‌شوند و کیفر الهی بر بندگان بزرگ و دردناک خواهد بود». در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر آمده است: «در قلب خود مهربانی و محبت و لطف به مردم را بیدار کن. مبدا مانند یک درنده که دریدن و خوردن را فرصت می‌شمارد، با مردم رفتار کنی، که مردم یا برادر دینی تو هستند یا همانند تو انسانند. مگو که من اکنون بر آنان مسلطم. از من فرمان دادن است و از آنان اطاعت کردن، که این عین راه یافتن فساد

در دل و ضعف در دین و نزدیک شدن به سلب نعمت‌ها است». در فراز دیگری از این نامه می‌فرماید: «و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد یا فروماند و عدالت را فراگیرتر باشد و مردم را دلپذیرتر». در اینجا سه ملاک محبوب بودن امور نزد حاکم حقانیت، عدالت و رضایت‌مندی مردم معرفی شده است.

۳-۲-۵. اصل سوم: انتقادپذیری و شفافیت (پذیرا بودن انتقادات)

مشخصه دیگر در نهادینه کردن حکومت مطلوب در جامعه، نقدپذیری است. پذیرفتن انتقادات سازنده و اصلاح‌گرایانه از رفتار و شیوه حکومتی توسط زمامداران، نقش موثری در پویایی و سالم‌سازی حکومت، نهادینه شدن قانون و مصون ماندن آن از انحراف و استبداد دارد. اصل شفافیت هنگامی قابلیت تحقق پیدا می‌کند که حاکم خود را در قبال مردم پاسخ‌گو دانسته و پذیرای انتقادات باشد. امام علی(ع) در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر، حق استیضاح حاکم از طرف مردم را به رسمیت می‌شناسد و می‌فرماید: «ای مالک! اگر مردم بر تو گمان ستم برند، عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار آنان را از بدگمان شدن در آر، که با این رفتار خود را به عدالت خو داده باشی و با مردم مدارا کرده‌ای و با عذری که می‌آوری، به آنچه خواهی می‌رسی و آنان را به راه حق می‌آوری» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

همچنین می‌فرماید: «چه بسا مردم مدح و ستایش را بعد از کوشش در کاری شیرین می‌دانند. پس، مرا برای اطاعت از خدا و رفتار نیکویم با شما ستایش نکنید. بلکه از حقوقی که بر گردنم باقی مانده و از ادای آنها فارغ نگشته‌ام و از واجباتی که ناچار به اجرای آنها هستم، بپرسید ... پس، از حق‌گویی یا مشورت به عدل خودداری ننمایید، زیرا برتر از اینکه خطا کنم، نیستم و از خطا در کار خویش ایمن نیستم. مگر آنکه خدا نفس مرا کفایت کند که او به آن از من تواناتر است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶). با دقت در همین فراز، امام علی(ع) به مردم توصیه می‌کند که از او بازخواست داشته باشند که چقدر از حقوقی که از ما مردم به گردن توست را به انجام رسانده‌ای؟

۴-۲-۵. اصل چهارم: مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی

مسئولیت و پاسخ‌گویی دو مفهوم ملازم یکدیگرند و لازمه مسئول بودن، پاسخ‌گویی است.

در نهج‌البلاغه نیز پاسخ‌گویی دارای جایگاه عالی و پسندیده‌ای است. حکومت اسلامی،

حکومتی برخوردار از پشتوانه مردمی می‌باشد که در آن مردم و دولت‌مردان از حقوق متقابلی برخوردار هستند. برای توضیح مشخصه پاسخ‌گویی، امام علی(ع) در نامه‌ای که به مالک اشتر نوشته، توصیه بسیار مهمی به او می‌کند که نظیر آن را می‌توان در هنجارهایی که از سوی نظریه حکمرانی مطلوب قالب‌بندی شده است، جستجو نمود. امام علی(ع) می‌فرماید: «اگر مردم گمان کردند که تو از مسیر حق خارج شده و ظلمی به آنان روا داشته‌ای، آشکارا با آنان سخن بگو، دلایل درستکاری خود را به ایشان عرضه کن و با آشکار شدن در میان مردم آنان را از بدگمانی برهان» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). این نکته بیانگر این است که پاسخ‌گو بودن حاکمان در مقابل مردم و افکار عمومی باید کاملاً شفاف، آشکار و همگانی باشد.

در دومین دستور به این نکته اشاره می‌کند که تعیین مسئول برای هر کار، سلب مسئولیت از تو نمی‌کند، تو نیز با آنها مسئولیت مشترک داری. می‌فرماید: «و (باید بدانی) هر عیبی در منشیان مخصوص تو یافت شود که تو از آن بی‌خبر بمانی، مسئول خواهی بود». این نکته اشاره به آن دارد که تعیین مسئول برای هر کار، سلب مسئولیت از مقامی بالاتر نمی‌کند، چرا که او باید در عین تقسیم کار و مدیریت‌ها، بر وضع مدیران خود نظارت مستمر داشته باشد، همان‌گونه که در دنیای امروز نیز چنین است که اگر مدیری در فلان وزارتخانه دست به کار خلافی زد، وزیر را احضار می‌کنند و از او بازخواست می‌نمایند و به این ترتیب درباره کارهای مهم نظارت مضاعف صورت می‌گیرد و سبب استحکام برنامه‌های اجرایی حکومت خواهد شد.

۵-۲-۵. اصل پنجم: اثربخشی و کارایی

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای هر انسان و جامعه‌ای نیاز به رفاه و معیشت مناسب است. نیازهایی مانند نیاز به خوراک، پوشاک و مسکن از جمله نیازهای اساسی است که پس از تأمین آنها زمینه برای دیگر فعالیت‌های انسان نظیر فعالیت‌های فکری، علمی و خودسازی روحی و معنوی فراهم می‌شود. از وظایف قطعی هر حکومتی تأمین رفاه در سطح عموم و رسیدگی و سر و سامان دادن به اوضاع معیشتی مردم است، تا افراد جامعه به خاطر تأمین نیازهای معیشتی، دچار اضطراب و نگرانی نشده و احساس ضعف و بدبختی نکنند و احیاناً بر اثر ضعف قوای جسمی به ضعف قوای روحی مبتلاء نشده، به ورطه فساد و تباهی

نیفتند. امام علی(ع) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «در پیشگاه خدا همه اقشار در راحتی و گشایش بوده و همه اقشار را بر زمامدار حقی است برابر، تا وضع آنها را سامان دهد و زمامدار مسلمان نمی‌تواند از زیر بار وظیفه‌ای که در این خصوص خداوند بر دوش او نهاده است، به شایستگی بیرون بیاید، جز با تلاش و کمک گرفتن از خدا و آماده کردن خود بر پای‌بندی به حق و صبر در تمام موارد. چه سبک باشد و چه سنگین».

امام علی(ع) در حیطه حکومت خویش حداقل نیاز معیشتی مردم را تأمین کرده و در فقرزدائی و رفع نیازهای اولیه معیشتی در آن زمان، گام‌های جدی برداشته بود. چنانچه خود امام علی(ع) می‌فرماید: «ما اصبح بالكوفه احد الا ناعما. ان ادناهم منزله لیاکل البر و یجلس فی الظل و یشرب من ما الفرات» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۴۰، ص ۳۲۷). اکنون در کوفه - پایتخت حکومت علی(ع) - کسی نیست که در رفاه به سر نبرد. حتی پایین‌ترین افراد از نان گندم می‌خورند و سرپناه(مسکن) دارند و از آب فرات می‌آشامند.

۵-۲-۶. اصل ششم: شایسته‌سالاری

از ویژگی‌های حکومت مطلوب این است که مسئولان و کارگردانان حکومت اسلامی باید شایسته‌ترین و خدمتگزارترین افراد برای ملت باشند. به عبارت دیگر، مسئولان حکومت اسلامی نیز باید تنها براساس لیاقت و شایستگی انتخاب شوند و هیچ‌گونه رابطه و توصیه‌ای در انتخاب آنان مؤثر نباشد. از نظر شیعه، امام و جانشین پیامبر(ص) که رهبری و اداره‌ی کشور اسلامی را به عهده دارد، شایسته‌ترین فرد روی زمین است که از جمیع فضایل علمی، اخلاقی و غیره در درجه کمال و عصمت برخوردار و از هرگونه رذایل و پستی به دور است.

امام علی(ع) در این زمینه چنین فرمان می‌دهد: «در استخدام کارکنان و فرمان‌روایان شفاعت و وساطت کسی را مپذیر، مگر شفاعت شایستگی و امانت».

در نظام حکومتی امام علی(ع) هم حاکم و هم کارگزاران او باید از شایسته‌ترین‌ها برای مناصب حکومتی باشند. امام علی(ع) در خطبه شششنبه می‌فرماید: «به خدا سوگند، ابابکر جامه خلافت را بر تن کرد، در حالی که می‌دانست که جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند. او می‌دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندای ارزش

من پرواز نتواند کرد». در حقیقت امام علی(ع) در این خطبه بیشتر از سایر امتیازات خویش نظیر نزدیکی و خویشاوندی بیشتر با پیامبر(ص)، به شایستگی‌های علمی و عملی خویش تکیه می‌کند. اما در مورد شایسته‌سالاری در تقسیم مناصب حکومتی به خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه می‌توان استناد کرد که دو روز پس از تصدی خلافت توسط ایشان ایراد شده است. امام علی(ع) در این خطبه با اشاره به مشکلات و تیره‌روزی‌ها در دوران گذشته می‌فرماید: «سوگند به خدایی که پیامبر(ص) را به حق مبعوث کرد، سخت آزمایش می‌شود. چون دانه‌ای که در غربال ریزند یا غذایی که در دیگ گذارند، به هم خواهید ریخت و زیر و رو خواهید شد. تا آنکه پایین به بالا و بالا به پایین رود و آنان که سابقه‌ای در اسلام داشتند و تاکنون منزوی بودند، بر سر کار می‌آیند و آنها که به ناحق پیشی گرفتند، عقب زده خواهند شد».

۵-۲-۷. اصل هفتم: پرهیز از بی‌پروایی در قدرت

حکومت جایگاه قدرت و اعمال قدرت است و برای دستیابی به اهداف خود و پیشبرد آنها و نیز به منظور حفظ و تقویت خود، به راحتی هر مرزی را می‌شکند و هر حریمی را می‌درد. امام علی(ع) بر پرواداری زمام‌داران و مسئولان در قدرت، سخت تاکید می‌کند و کارگزاران را به رعایت آن فرامی‌خواند. ایشان وسوسه قدرت را مقدمه‌ای برای ستمکاری و تجاوزگری می‌دانند و به صراحت می‌فرمایند: «هر که بر ملک دست یافت، خودگزینی نمود و تمامت‌خواهی کرد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۰). این آموزه امام علی(ع) بیانگر آن است که قرار گرفتن در جایگاه قدرت تا چه اندازه وسوسه‌کننده و خطرآفرین است. «همنشین قدرت همچون شیرسوار است، حسرتِ سواری او خورد و خود بهتر می‌داند که در چه کار پر خطر است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۶). بنابراین، لازم است قدرت از درون و برون به شدت مهار شود و چنان باشد که مرزشکنی و حریم‌داری و بی‌پروایی در آن نتواند خودنمایی کند. چرا که در صورت بروز آن، ستمگری و تجاوزگری بر مردم رایج می‌گردد. تعبیر امام علی(ع) در مورد هشدار در خصوص قرار گرفتن در جایگاه قدرت و خطرات آن در آغاز عهدنامه مالک اشتر خود بیانگر عمق مطلب است. «و او را فرمان داد که نفس خویش را از پیروی شهوت‌ها مهار سازد و در هنگام سرکشی‌ها آن را از نافرمانی‌ها بازدارد، زیرا نفس فرمان‌دهنده به بدی است، مگر آنکه خدا رحم فرماید». از

منظر امام علی(ع)، بزرگ‌ترین ستم به مردم، ستم حکومت بر مردم است. ستم از جایگاه قدرت به هر شکلی که باشد، هیچ گونه توجیهی ندارد و خداوند متعال همه راه‌های توجیه آن را بسته است».

۵-۲-۸. اصل هشتم: اخلاق‌مداری در راه‌های رسیدن به اهداف

امام علی(ع) حکومت را جز وسیله‌ای برای برپا داشتن حق و عدالت نمی‌بیند و از این رو جز به حق و عدالت در حکومت عمل نمی‌کند. حکومت بدون پایبندی به نوع و کیفیت وسیله به کار گرفته شده برای رسیدن به هدف، به هر مسیری می‌رود و برای دستیابی به اهدافش به هر ستم و تجاوزی دست می‌زند. چنین حکومتی، حکومتی درنده‌خو و خطرناک است. امام علی(ع) در خطبه شقشقیه فرمودند: «اگر حضور حاضران و اتمام حجت با اعلام وجود ناصران نبود و اگر خداوند از عالمان پیمانی سخت نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده هیچ آرام و قرار نگیرند، بی‌تأمل افسار حکومت را از دست می‌گذاشته و خود را به کناری می‌کشید». لذا، امام علی(ع) حکومت را بی‌ارزش‌ترین چیزها می‌داند، مگر اینکه به وسیله آن حقی برپا شود و یا ستمی زدوده گردد. از منظر ایشان حکومت تنها زمانی اعتبار دارد که وسیله‌ای برای تحقق اهداف انسانی و الهی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی باشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹).

امام علی(ع) به کارگزاران خود نیز می‌آموخت که برای رسیدن به اهداف و آمال خود در هیچ شرایطی از وسایل نادرست بهره نگیرند که این عین نابودی است. آن حضرت در نامه‌ای به مالک اشتر چنین هشدار می‌دهد: «(اضافه بر این گاه) برای زمامدار، خاصان و صاحبان اسرار (و نزدیکان و اطرافیانی) است که خودخواه و برتری‌طلب بوده و در دادوستد با مردم عدالت و انصاف را رعایت نمی‌کنند. ریشه ستمشان را با قطع وسائل آن بر کن و هرگز به هیچ یک از اطرافیان و هواداران خود زمینی از اراضی مسلمانان را وامگذار و نباید آنها طمع کنند که قراردادی به سود آنها منعقد سازی که موجب ضرر بر همجواران آن زمین باشد؛ خواه در آبیاری یا عمل مشترک دیگر. به گونه‌ای که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند و در نتیجه سودش فقط برای آنها باشد و عیب و ننگش در دنیا و آخرت نصیب تو گردد، حق را درباره آنها که صاحب حق هستند، رعایت کن. چه از

نزدیکان تو باشد یا غیر آنها و در این باره شکبیا باش و به حساب خدا بگذار (و پاداش آن را از او بخواه)، هرچند این کار موجب فشار بر خویشاوندان و یاران نزدیک تو شود، سنگینی این کار را بپذیر، زیرا سرانجامش پسندیده است».

۶. نتیجه گیری

حاکمیت از جمله نظریه‌های قدرت سیاسی است که بیانگر رابطه‌ی بنیادین و سیاسی میان مردم و ساختار نهادی قدرت دولت می‌باشد. حکمرانی فرآیندی است که از طریق آن موسسات و گروه‌های شهروندی علایق خود را بیان کرده، درباره حقوق و تعهدات خود اعمال نظر می‌نمایند و تفاوت‌های خود را تعدیل می‌بخشند و اینکه حکمرانی هنر هدایت جوامع است و شامل تعامل بین ساختارها، فرآیندها و سنت‌هایی که شیوه اعمال قدرت، اتخاذ تصمیم و نحوه اظهارنظر افراد جامعه را مشخص می‌کند، می‌باشد. در واقع حکمرانی رابطه بین مردم و حکمرانان و مدیران را توصیف می‌نماید.

حکومت مطلوب نیز، عرصه‌ی شایسته‌سالاری است که در آن همه افراد جامعه باید موقعیت مشارکت در حکومت را داشته باشند و حکومت بر اراده و حضور آنان متکی است. حضرت علی(ع) به حکومت به مثابه وسیله‌ای برای خدمت به مردم نگاه می‌کند. پرهیز از خودکامگی و تاکید بر مشاوره با مردم، وجه بارز حکومت امام علی(ع) است. در حکومت مطلوب امام علی(ع) از عامه مردم به عنوان ستون دین و سپر محکم در برابر دشمنان یاد می‌شود. ایشان ارزش فوق‌العاده‌ای برای ضرورت جلب اعتماد مردم به حکومت قائل بوده و از آنجا که قدرت سیاسی برخاسته از مردم است، مردم را محق بر نظارت بر اجرای صحیح امور و مبانی اسلامی توسط حکومت می‌داند. در حکومت مطلوب امام علی(ع) آگاهی و بصیرت مردم در همه جنبه‌های اجتماع نقش بسزایی در روند استمرار و تداوم سریع اهداف حکومت دارد. همه باید در جریان اقدامات حکومت باشند و با نگاه اصلاح‌طلبانه و خیرخواهانه، نقد نمایند. هرگونه تبعیض و نابرابری در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، مطرود می‌باشد، زیرا هدف حکمرانی مطلوب، تلاش برای ایجاد محیطی امن و بستری مناسب برای تکامل انسان‌ها تعریف شده است و این غایت متعالی و حرکت به سوی کمال تحقق نمی‌یابد، مگر آنکه لوازم تحقق آن در محیط زندگی و جامعه وجود داشته باشد. قانون‌پذیری، برابری و عدالت، انتقادپذیری، شفافیت و

صداقت، پاسخ‌گویی، مشارکت مردم، مدارا با همگان و غیره مبانی و اصولی هستند که شرایط یک حکومت مطلوب را از منظر امیرمومنان(ع) تشکیل می‌دهند و به وضوح در سیره عملی آن حضرت بروز و ظهور داشته‌اند.

- در مجموع مهم‌ترین مفاهیم و توصیه‌های علمی که براساس نظریه حکمرانی مطلوب مطرح است و همه آنها در آموزه‌ها و سیره حضرت علی(ع) قابل مشاهده هستند، به شرح زیر قابل است:

- دولت باید دارای پشتوانه و اعتماد مردمی باشد.
- فرایند قانونگذاری و عملکرد دولت باید از شفافیت برخوردار باشد.
- در انتخاب کارگزاران، اصل شایسته‌سالاری رعایت گردد.
- خدمات عمومی مورد نیاز مردم به صورت مطلوب توسط دولت فراهم گردد.
- نهادینه شدن حاکمیت قانون در جامعه.
- با فساد در جامعه به صورت جدی و هم‌جانبه مبارزه گردد.

منابع

قرآن کریم.

۱. امام جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی جامعه و حکومت در نهج‌البلاغه. علوم انسانی، شماره ۲۴.
۲. آرائی، وحید؛ قاسمی، ابوالفضل؛ معینی‌فر، یاسر (۱۳۹۶). توصیه‌های سیاستی موانع تحقق‌پذیری حکمرانی خوب در اداره امور عمومی (مطالعه موردی: فرمانداری و شهرداری شهرستان مینودشت). *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، ۷(۲۵).
۳. بامری، نصرت؛ منشادی، مرتضی؛ اسلامی، روح‌اله (۱۳۹۶). سیاست عملی و فنون حکمرانی امام علی(ع): مطالعه موردی حکومت در نامه‌های نهج‌البلاغه. *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، ۵(۱۹).
۴. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). دولت آفتاب. تهران: انتشارات دریا.
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷). جمال دولت محمود (حکومت امام علی(ع) حکومت فوق تاریخ). تهران: نشر اروپا.
۶. شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه. *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، شماره ۲.
۷. شهیدی، جعفر (۱۳۳۸). ترجمه نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحارالانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴۰.
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). سیری در نهج‌البلاغه. تهران: صدرا.
۱۰. میمنه جهرمی، حیدرعلی (۱۳۷۸). حکومت علوی الگوی حکومت مهدوی. موعود، شماره ۱۷.
۱۱. ناظم‌زاده قمی، سیداصغر (۱۳۷۲). تجلی امامت (تحلیلی از حکومت امیرالمومنین علی(ع)). قم: انتشارات الهادی.
۱۲. نقیبی مفرد، حسام (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر. تهران: انتشارات شهر دانش.
۱۳. نوایی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). ساختار حکومت در نهج‌البلاغه. *مطالعات تفسیری*، دوره ۲، شماره ۶.
14. Plumptres, T. & Graham, J. (1999). **Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives**. Available at: <https://ethz.ch/content/specialinterest/gess/cis/center-for-securities-studies/en/services/digital-library/publications/publication.html/122184>
15. Punyaratabandhu, L. (2004). **Commitment to Good Governance Development and Poverty Reduction**. Harvard university press.
16. Sano, H.A. (2002). **Human Rights and Good Governance**. Kluwer Law International

References

The Holy Quran.

1. Arai, V., Qasemi, A. & Moeinifar, Y. (2017). Policy Recommendations Barriers to the Achievement of Good Governance in Public Administration (Case Study: Minoodasht Governorate and Municipality). *Public Policy Leadership Studies*, 7(25). [In Persian]
2. Bamri, N., Manshadi, M. & Islami, R. (2017). Practical Policy and Governance Techniques of Imam Ali (AS): A Case Study of Government in Nahj al-Balaghah Letters. *Journal of*

- Nahj al-Balaghah*, 5(19). [In Persian]
3. Delshad Tehrani, M. (2000). **Sun State**. Tehran: Darya Publications. [In Persian]
 4. Delshad Tehrani, M. (2008). **The beauty of Mahmud's government (the rule of Imam Ali (as) the supra-historical government)**. Tehran: Europe Publishing. [In Persian]
 5. Imam Juma Zadeh, S.J. (2002). Pathology of society and government in Nahj al-Balaghah. *Humanities*, No. 24. [In Persian]
 6. Maimana Jahromi, H.A. (1999). Alawite rule the model of Mahdavi rule. *Mouood*, No.17. [In Persian]
 7. Majlisi, M.B. (2007). **Bihar al-Anwar**. Tehran: Islamic Library, Vol. 40. [In Persian]
 8. Motahari, M. (2012). **Siri in Nahj al-Balaghah**. Tehran: Sadra. [In Persian]
 9. Naqibi Mofrad, H. (2010). **Good governance in the light of the globalization of human rights**. Tehran: Shahr-e-Danesh Publications. [In Persian]
 10. Navai, A.A. (2011). The structure of government in Nahj al-Balaghah. *Interpretive Studies*, Vol.2, No.6. [In Persian]
 11. Nazemzadeh Qomi, S.A. (1993). **Manifestation of Imamate (analysis of the rule of Amir al-Mu'minin Ali (AS))**. Qom: Al-Hadi Publications. [In Persian]
 12. Plumptres, T. & Graham, J. (1999). **Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives**. Available at: <https://ethz.ch/content/specialinterest/gess/cis/center-for-securities-studies/en/services/digital-library/publications/publication.html/122184>
 13. Punyaratabandhu, L. (2004). **Commitment to Good Governance Development and Poverty Reduction**. Harvard university press.
 14. Sano, H.A. (2002). **Human Rights and Good Governance**. Kluwer Law International.
 15. Shahabadi, A. & Jame Bozorgi, A. (2013). The theory of good governance from the perspective of Nahj al-Balaghah. *Journal of Nahj al-Balaghah*, No.2. [In Persian]
 16. Shahidi, J. (1989). **Translation of Nahj al-Balaghah**. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2020.1911218.1266

طباطبایی، سیدروح‌الله؛ شیرخانی، علی؛ مطهرنیا، مهدی (۱۴۰۰). بررسی و ارزیابی جایگاه حکمرانی مطلوب در نهج البلاغه. *سپهر سیاست*، دوره ۸، شماره ۲۷، ص ۷-۳۰.